

در آغوش نور « ۲ »

بیداری معلوی : ادامه سفر به سوی نور عشق ...

بتی جین ایدی

فریده مهدوی دامغانی

جایزه بین المللی ترجمه منلیجه ۲۰۰۳ از ایتالیا

نشان طلای افتخار ۲۰۰۳ از شهر راوننا و ۲۰۰۴ از شهر فلورانس در ایتالیا

شهر ویندا افتخاری راوننا در سال ۲۰۰۵

نشان لیاقت کلمین داتره از ایتالیا در سال ۲۰۰۶

مترجم برگزیده جشنواره فارابی ۱۳۹۲

نشر ذهن آویز

تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه: ایدی، بی چین، ۱۹۲۲ - ۲
عنوان و نام پدیدآور: در آغوش نور ۲: بیداری معنوی: ادامه سفر به سوی نور عشق / بی چین ایدی: ترجمه فریده مهدوی دامغانی.
مشخصات نشر: تهران: ذهن آویز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص.
شابک: 978-600-118-235-8

وضعیت فهرست نویسی: لیا
پادداشت: عنوان اصلی:

The awakening heart: my continuing journey

to love c1996

Spiritual biography

موضوع: سرگذشتنامه معنوی

شناسه افزوده: مهدوی دامغانی، فریده، ۱۳۲۲ -، مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف ۹۳ / BL۷۳

رده بندی دیویی: ۲۹۱/۲۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۸۱۲۲۲

این کتاب ترجمه ای است از:

EMBRACED BY THE LIGHT 2

در آغوش نور ۲

by

BETTY JEAN EADIE

OLD LEAF PRESS - 1992

آماده سازی و اجرا: پژمان آرایش

طرح جلد: سوگل علمی

مدیر تولید: عماد درنایی

چاپ قبلی، چهاردهم نشر تیر - چاپ سوم نشر ذهن آویز ۱۳۹۷

شماره نسخه های این چاپ: ۵۰۰

حق چاپ برای نشر ذهن آویز محفوظ است

با همکاری نشر تیر



نشر تیر
TIER PUBLISHING

چاپ: کاج / صحافی: پیکان

مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

تلفن و دورنگار: ۷۷۳۵۴۱۰۵

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

سر سخن نویسنده



هستی روح، با مرگ زمینی ما به پایان نمی‌رسد...

مرگ، همانا تولدی دیگر به دنیای روحانی نور و عشق، و انتقالی از بُعد فیزیکی به بُعد روحانی است، و هرگز نباید به عنوان امری ترسناک، و انتقالی دردناک و دهشت‌آور در نظر گرفته شود؛ بلکه بیشتر باید به عنوان عبور از اتاقی به اتاق دیگر در نظر پنداشته شود.

این به راستی، بازگشتی شادمانه و سرشار از بهجت و خشنودی از بابت بازگشت به سرای طبیعی و اصلی ما است: بازگشتی به سوی خدای آفریدگارمان، که ما را به کره زمین اعزام فرمود و دیگر بار پس از حیات زمینی، با آغوشی باز، از ما استقبال می‌فرماید!

این را نیک می‌دانم، زیرا در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۷۳ من نیز پس از جراحی‌ای که به خونریزی شدید منجر گشت، از دنیا رفتم و مرگ را به عین تجربه کردم. وقایعی که پس از این حادثه برآیم روی داد، همه زندگی‌ام را دستخوش تغییر و تحول کرد، و مرا در مسیری قرار داد که هنوز هم تا امروز در آن حضور دارم، و به گام برداشتن در آن مشغولم ...

در هنگام مرگ کالبد جسمانی خود را ترک گفتم، و از میان تونلی تاریک گذشتم ... تونلی که از کره زمین تا سرای آسمانی ما امتداد داشت ...

سپس به سوی موجودی درخشان و نورانی جذب شدم! روحی معظم که نوری

فروزان و رخشنده از خود به هر سو ساطع می‌کرد! کسی که من او را به عنوان منجی خود، حضرت عیسی مسیح (ع) بازشناختم! ...

... و من دیگر بار، با عزیزانی که پیش‌تر از من از دنیا رفته بودند ملاقات کردم، و روح دخترم را که هنوز در عالم زمینی به دنیا نیامده بود پیشاپیش دیدم، و با او آشنا شدم! و طعم دلنشین حیات و هستی ماورای این زندگی زمینی را چشیدم ... از باغ‌هایی زیبا و خیره‌کننده، از کتابخانه‌های علم و دانش ناب دینم، حادثه عالم آفرینش دیگر بار برابم مرور شد، و چشم‌اندازهایی از وقایع آتی در برابر دیدگانم وقوع یافت، و ارواحی را دیدم که چگونه خود را آماده می‌ساختند تا به کره زمین بیایند، و به عین مشاهده نمودم که چگونه دعاهایمان از سوی فرشتگان دریافت می‌شود، و با محبت و توجهی عمیق از سوی خدای مهربان، پدر آسمانی ما، بدانها پاسخ داده می‌شود ...

اما ارزشمندتر از هر چیز، این رحمت و این عنایت نصیب شد تا طعم شادی و بهجت توصیف‌ناپذیری را که در هنگام در آغوش کشیدن حضرت عیسی مسیح (ع) منجی عالم بشریت چشیدم تجربه کنم! حضرت مسیح مهربانانه، مرا در آغوش کشید، و روحم را با عشق و محبتی نامشروط و بی‌پایان در بر گرفت، و به همه سوالاتی که سال‌ها بود در ذهن و اندیشه داشتم، پاسخ فرمود.

سرانجام درمی‌یافتم از این جهت تا این حد ادیان و مذاهب گوناگون و بی‌شمار در جهان وجود دارد که روح هر انسانی، در سطوح مختلفی از پیشرفت و تکامل معنوی و روحانی به سر می‌برد، و این که هر مذهب به تنهایی، حقیقتی انکارناپذیر را بیان می‌دارد. به عین دیدم که به ندرت چیزی به عنوان «تصادفات جالب» در اطرافمان وجود دارد، و این که همه چیز، بنا به نقشه‌ای از پیش

تعیین شده صورت می‌گیرد، و فرشتگان و ارواح عزیزانی که از روز ازل می‌شناختیم، ما را احاطه کرده‌اند تا در روی زمین، به یاری ما بیایند ...

به من گفته شد که قوانینی روحانی، بر زندگی زمینی ما تأثیری مستقیم دارند، و این که همه بخش‌های آفرینش خارق‌العاده الهی، عمیقاً با سایر بخش‌ها وابسته و متصل می‌باشد. به من نشان دادند هر آن چه را به انجام می‌رسانیم، دارای تأثیری مانند حلقه‌هایی است که بر روی سطح آب پدید می‌آید. خواه در کارهای خیر یا در کارهای پلید، و این که تأثیری مستقیم بر روی جهان زمینی دارد...

من همچنین این امکان را یافته‌ام که در برابر شورایی آسمانی که از مردانی و الامقام تشکیل شده بود، به مرور وقایع زندگی‌ام بنشینم. در طول این مرور، من موفق شدم تأثیرات ناشی از همه افکار و اندیشه‌هایم را تجربه کنم.

من همچنین دریافته‌ام که خدای متعال همه ما را به طرزی نامشروط و به یکسان دوست می‌دارد، و این که ما همه، ارواحی ابدی و جاودانه هستیم: ارواحی که صرفاً برای رشد و تکامل روحانی بیشتر به زمین فرود آمده‌اند، تا عشق ورزیدن را بیاموزند، و سپس در پایان کار، همواره با شادمانی فراوان و استقبال گرم، به بهشت بازگردند! در واقع، جوهر آن چه آموختم این بوده است که عشق، یگانه و بالاترین مبحث مهم عالم هستی به شمار می‌رود، زیرا خدا عشق است، و یگانه راهی که می‌توان با کمک آن به خدای متعال شباهت یافت، این است که مانند او به دیگران عشق بورزیم، و همگان را به طرزی نامشروط دوست بداریم! از این که در آن سرای آسمانی حضور داشتیم، غرق در شادمانی بودم، و عمیقاً میل داشتم در همان جا باقی بمانم! اما به من گفته شد که زمان مرگ من هنوز فرا نرسیده است، و هنوز مأموریتی در زمین در پیش رو دارم که می‌باید به تکمیل

آن همت گمارم؛ این که تنها پس از انجام آن مأموریت، دوباره اجازه خاهم یافت به آن مکان سراسر آکنده از عشق و بهجت، و به آغوش نور بازگردم...

من دریافتم که هر روحی که به زمین فرود می‌آید، ناگزیر از انجام مأموریتی در حیات دنیوی خویش است. پس از آن که مأموریتی را که در پیش رو داشته‌ام نشانم دادند، روحم دیگر بار پذیرفت به زمین بازگردد تا با کمک کالبد جسمانی‌ام، به تکمیل آن همت گمارد. سپس یاد و خاطره آن از حافظه‌ام زدوده شد و من پس از بازگشت به زمین، دیگر هرگز موفق نشدم دریابم هدفم از حضور در زمین و یا مأموریتم در این کرهٔ زمینی چیست.

در واقع با مرور سال‌ها دریافتم که تجربهٔ نزدیک به مرگ من، تنها سرآغاز یک سفر معنوی و روحانی بوده است. من از اهمیت سهیم ساختن دیگران از آن چه تجربه کرده‌ام، به خوبی اطلاع و آگاهی داشتم، و می‌دانستم که لازم است حقایق انکارناپذیر را به دیگران بازگو کنم.

بنابراین شرح این وقایع و این تجربیات را در کتابی به نام «در آغوش نور» به رشتهٔ تحریر در آوردم. از آن هنگام به بعد، سفر معنوی من با لحظاتی سرشار از بهجتی عمیق، و دوره‌هایی از سختی و مشقت بسیار زیاد همراه بوده است...

در طول مسیر، با کمک **بیداری معنوی**‌ام از برای درک ذات اقدس الهی، موجب شده است تا باز هم به حقایق خارق‌العادهٔ بیشتر و دیگری دست یابم، و مرا به سوی افرادی هدایت و راهنمایی کرده است که مشکلات و پیروزی‌هایشان به یک نسبت، همچون یادآوری توانمند از آن چه برای آن به زمین فرود آمده‌ایم، و مأموریتی که یک یک ما وظیفه دارد به انجام رساند، می‌باشد.

من مطالب باز هم بیشتری از این سلوک زمینی خویش دریافته‌ام؛ اما بیش از

هر چیز، دستِ قادر و توانمندِ خدای متعال را به عین دیده‌ام که چگونه در زندگی هر یک از بندگانش به کار مشغول است ...

و اینک با چنین زمینهٔ ذهنی، و با چنین روحیه‌ای، مایل دارم برخی از دروس معنوی و روحانی‌ای را که در طول این مسیر از آنها آگاهی یافته و آموخته‌ام، با شما خوانندگان عزیزم سهیم گردم. دروسی پیرامون این که چگونه می‌توان قلبِ خویش را به سوی بیداری معنوی هدایت و راهنمایی کرد ...

اینک، در این برهه از زمان، در این دوره از حیات بشری، ما همه به نوعی «چهار راه» سرنوشت رسیده‌ایم، و بیداری معنوی عظیمی در سراسر عالم هستی، به جریان افتاده و آغاز شده است.

مردم عالم، همه به یکسان، تشنهٔ دریافت پاسخ‌هایی از برای سؤالات همیشگی خود هستند، و عمیقاً مایلند بدانند حضورشان در عالم هستی، از چه هدف و معنایی برخوردار بوده است ... ؟

سرانجام نژاد بشر آماده است تا پیام عشق و محبت و رحمت الهی را دریافت کند! و یکی از مأموریت‌های ما در زمین، سهیم شدن در این احساس عشق و محبت است، تا بتوانیم به رشد و تکامل هر چه بیش‌تر روحمان نائل آییم!

دعای خالصانهٔ من این است که خدای متعال با کمک این کتاب، همهٔ ما انسان‌های روی زمین را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک سازد. تا با کمک دروس معنوی و آگاهی کامل از عشقی که خدای متعال نسبت به همهٔ بندگانش دارد، این امکان را به ما ارزانی فرماید تا بتوانیم مأموریت‌های فردی خود را در روی زمین، به نحو احسن، و بر اساس خواست و ارادهٔ الهی به انجام رسانیم!